

بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت افغانها به ایران و پیامدهای آن

An Examination of the Factors Influencing Afghan Migration to Iran and Its Consequences

دوکتور سیدعلی اقبال^۱، زهره سادات حسینی^۲

DOI: 10.64104/v10.Issue17.n21.2025

چکیده

کشور افغانستان به دلیل سال ها جنگ، مشکلات سیاسی و فقر اقتصادی، میلیون ها نفر از شهروندان خود را مجبور به مهاجرت کرده است، مهاجران همواره در جستجوی عاید اقتصادی، امنیت جانی و فرصت های بهتر زندگی بوده اند. مهاجرت افغان ها در طول تاریخ به دلایل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مانند جنگ، مداخلات خارجی، بلایای طبیعی و بحران های اقتصادی شدت گرفته است که در این میان بیشترین مهاجرت ها به کشور های همسایه مانند ایران و پاکستان، آسیای میانه، ترکیه و کشور های اروپایی بوده است. گسترش روز افزون مهاجرت ها، نه تنها برای مهاجران چالش های را ایجاد کرده است، بلکه برای کشورهای پذیرنده نیز مشکلاتی را به همراه داشته است. درک مهاجرت افغانها نیازمند بررسی علل عمیق اجتماعی و سیاسی و تاثیرات آنها در داخل و خارج از کشور است.

این تحقیق به بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت افغان ها به ایران و پیامدهای حاصل از آن پرداخته است. مهاجرت افغان ها به ایران یکی از پدیده های مهم در منطقه محسوب می شود که از دهه های گذشته با توجه به تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افغانستان شکل گرفته و پیامدهای چندوجهی در کشورهای میزبان به همراه داشته است. در حالی که عوامل دافعه مانند جنگ، ناامنی و فروپاشی زیرساخت های اقتصادی در افغانستان موجب خروج جمعیت از این کشور شده اند، عوامل جاذبه همچون نزدیکی جغرافیایی، اشتراک زبان و فرهنگ و فرصت های اقتصادی در ایران، نقش تعیین کننده ای در جذب این مهاجران به این کشور داشته اند.

^۱ دوکتورای جغرافیا و برنامه ریزی شهری، استاد پوهنتون تعلیم و تربیه کابل، 0783632912، saiqbal.edu@gmail.com

^۲ کاندیدای دوره دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه ازاد اسلامی و احد مشهد- ایران، +98 9386363312، sadafh215@gmail.com

روش انجام تحقیق توصیفی و تحلیلی به صورت کیفی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است. گردآوری داده‌ها، از منابع معتبر علمی، گزارش‌های منتشر شده توسط نهادهای داخلی و بین‌المللی و سایر منابع معتبر علمی انجام شده است. سپس به تحلیل عوامل و پیامدهای مهاجرت به ایران پرداخته شده است و نتایج به صورت توصیفی ارائه گردیده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی برای گسترش مهاجرت از افغانستان به کشورهای دیگر خصوصاً کشورهای همسایه نقش داشته است و همواره مشکلاتی را برای مهاجرین و کشورهای مقصد به وجود آورده است بنابر این امارت اسلامی افغانستان می‌تواند با تدوین سیاست‌های منسجم و هماهنگ به بهبود شرایط مهاجران و کاهش تنش‌های اجتماعی در جامعه میزبان کمک کند این امر مستلزم هماهنگی و همکاری نهادهای مدیریت مهاجرین در داخل کشور و هماهنگی با سازمانهای خدمات رسان به مهاجرین و کشورهای میزبان در بیرون از کشور می‌باشد.

واژگان کلیدی: مهاجرت افغان‌ها، عوامل موثر بر مهاجرت، پیامدهای مهاجرت، افغانستان، ایران

مقدمه

مهاجرت به عنوان یک پدیده جهانی، امروزه به یکی از چالش‌های جدی در مسیر توسعه تبدیل شده است. جابه‌جایی انسانها از مکانی به مکان‌های دیگر با اهداف و انگیزه‌های مختلف، به صورت دائم یا موقت یا بدون در نظر گرفتن زمان یکی از نگرانی‌هایی است که با درجه‌های مختلف توسعه‌یافته از زمان‌های دور با آن مواجه شده‌اند. شواهد موجود نشان می‌دهد اکثر مهاجرت‌هایی که از زمان‌های دور ایجاد می‌شوند از مکان‌های توسعه‌یافته به سمت مکان‌هایی با توسعه‌یافتگی بیشتر برای داشتن احساس آرامش و زندگی بهتر در سرزمین جدید. عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از مهمترین عوامل تصمیم‌گیری افراد برای مهاجرت است. در جهان امروز با رشد سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات، سطح افراد از امکانات و شرایط رفاهی مختلف در جهان با توجه به رشته‌های مختلف تحصیلی، سطح تحصیلات و مهارت‌ها بیش از پیش از افزایش یافته‌ها و همین موضوع باعث تصمیم‌گیری در مهاجرت افراد به دهه‌های گذشته ساده‌تر و با سرعت بیشتری می‌شود. پدیده مهاجرت بین‌المللی دیگر مانند دهه‌های قدیم فقط مربوط به مردان و زنان وابسته به آن‌ها نیست، اما در دهه‌های اخیر این پدیده در مورد زنان نیز پا به پای مردان قدرت گرفته شده است. به‌طور کلی مهاجرت به عنوان یک پدیده جهانی، تأثیر زیادی بر جوامع و کشورها دارد. با توجه به شرایط موجود در کشورها، سیاست‌های اعمال شده از سوی دولت‌ها حکومت‌ها، چهارچوب کلی قوانین می‌توانند مثبت یا منفی باشند. همچنین می‌تواند باعث تغییر فرهنگ و نژاد، انتقال دانش و تخصص، افزایش تولید، افزایش نیروی کار با مهارت بالا و دستمزدی مهاجرت در کشور شود. همین‌طور کشور مبدأ می‌تواند در زیانباری بر جای بگذارد، زیرا نیروی کار مهارت و دانش خود را به جای خود در کشور خود بکار می‌برد خود را در کشور دیگری به ثمر می‌نشانند. در سال 2023، بهار دواج و شرماددر پژوهش خود نشان دادند که حدود 3/2 درصد افراد در حال توسعه در مناطق غیر از سرزمین تولد خود زندگی می‌کنند که در کشور مبدأ یکی از اصلی‌ترین آن‌ها است و این رقم در سال 2020 به 3/6 درصد افزایش یافته است. (علمی: 1403)

در بین کشورهای همسایه، مردم افغانستان بیش از سایر کشورها تمایل به مهاجرت به ایران داشته‌اند و آشفته‌گی‌های سیاسی، جنگ‌های متعدد، شرایط نامساعد اقتصادی، ترس از جان و سایر عوامل سیاسی و اقتصادی از یک سو و شباهت فرهنگی و تاریخی این دو کشور از سوی دیگر، باعث شده است که ایران یکی از مقصدهای مهاجرتی افغان‌ها به‌ویژه در چهار دهه گذشته باشد.

در اکثر پژوهش‌هایی که در مورد مهاجرت صورت گرفته است نشان داده می‌شود که عوامل دافعه و جاذبه به عنوان عوامل رانشی و کششی در کشور مبدأ و مقصد به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر روند مهاجرت اثرگذار هستند. عوامل رانشی مانند بی‌ثباتی اقتصادی، نرخ بیکاری بالا، رشد اقتصادی پایین، افزایش جمعیت، مشکلات سیاسی، عدم سیستم آموزشی مناسب با بازار کار، درگیری‌های قومی و قبیله‌ای بر انگیزه مهاجرت در کشور مبدأ اثرگذار هستند و عوامل کششی مانند وجود اشتغال، نرخ دستمزد بالا، سیستم آموزشی مناسب و ثبات سیاسی جاذب مهاجران از سراسر دنیا در کشورهای مقصد است. (علمی: 1403)

مسئله مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همجوار از جمله پاکستان و ایران بیش از چهل سال است که آغاز شده و در دوره‌های مختلف فراز و فرودهایی را تجربه کرده است؛ منشاء اصلی مهاجرت گسترده افغان‌ها به ایران را می‌توان در هجوم نظامی شوروی سابق به این کشور در سال 1979 میلادی دانست که باعث ایجاد ناامنی، کشت و کشتار فراوان غیر نظامیان، نابودی زیرساخت‌های این کشور و کاهش سطح رفاه و زندگی در این کشور شد؛ ایران به عنوان کشوری با ثبات‌تر نسبت به افغانستان و به دلیل داشتن اشتراکات فرهنگی و زبانی بتاریخی با افغانستان و همچنین نزدیکی مرزها و سهل الوصول بودن دسترسی به مرزها باعث گرایش و استقبال مردم افغانستان برای مهاجرت به این کشور (ایران) بوده است. (خسروی: 1403)

مهاجرت به خودی خود نه تنها یک مشکل اجتماعی نیست بلکه حتی می‌تواند راه حلی برای بحرانهای جمعیتی محسوب شود. مهاجرت می‌تواند اضافه جمعیت را از نقطه ایی به خارج از آن هدایت کند، نیروی کار اضافی و بیکار را به سرزمین‌های نیازمند سوق بدهد، عدم تعادل‌های ساختاری جمعیت را مرتفع کند، از طریق جذب قسمتی از دستمزد کارگران شاغل در خارج در ایجاد تعادل ارزی موثر افتد و موجبات جذب سرمایه و انتقال فناوری را به داخل فراهم کند و از این طریق ایجاد و تقویت روحیه جدید تولید، رقابت و بهبود وضع موجود را امکان پذیر سازد (زنجانی: 1393) اما این رویکرد و شیوه نگرش، تمام واقعیت پدیده مهاجرت را منعکس نمی‌سازد. در مقابل، مهاجرت نیروی کار ممکن است به عدم تعادل اقتصادی در مبدأ مهاجرتها منجر شود و تخلیه سرزمین از نیروی کار می‌تواند از نظر اقتصادی، علمی و فنی پیامدهایی را به دنبال داشته باشد، مسائل پیچیده سیاسی و اجتماعی را در روابط بین کشورها ایجاد کند و به نیروی مخرب تفاهم و توسعه منجر شود. بنابراین مهاجرت سکه ایی دو رو یا تیغ دو لبه ایی است که فرصت و تهدید را توأمان در خود داراست و استفاده مطلوب و بهینه از این پتانسیل، توسعه آفرین و عامل پیشرفت است و عدم مدیریت و برنامه ریزی مناسب در راستای سازماندهی آن، زمینه را برای ایجاد عدم تعادل در ساختارهای جمعیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به دنبال خواهد داشت. این ایجاد عدم تعادل در ساختارهای مذکور است که مهاجرت را به مقوله ای مشکل آفرین مبدل ساخته است.

محور اصلی مطالعه این پژوهش بررسی عوامل موثر بر مهاجرت افغان‌ها به ایران و پیامدهای حاصل از آن است. به همین منظور اهداف عمده ای که در این تحقیق به دنبال آنها هستیم به قرار ذیل است:

اهداف تحقیق

1. شناسایی علل مهاجرت افغان‌ها به ایران: بررسی عوامل دافعه در افغانستان مانند کمبود امنیت، فقر و بیکاری و عوامل جاذبه در ایران نظیر اشتراکات فرهنگی و فرصت‌های اقتصادی.
2. تحلیل پیامدهای اقتصادی مهاجرت بر ایران: ارزیابی تأثیر حضور مهاجران افغان بر بازار کار، تولید ناخالص داخلی و روابط تجاری بین دو کشور.
3. بررسی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی: مطالعه تأثیر مهاجرت بر بافت اجتماعی، هم‌زیستی فرهنگی، چالش‌های هویتی و مسائل مرتبط با ادغام اجتماعی مهاجران.

4. ارزیابی سیاست‌های مهاجرتی: تحلیل سیاست‌های دولت‌های ایران و افغانستان در قبال مهاجران و پیشنهاد راهکارهایی برای بهبود شرایط موجود.

سوالات تحقیق

1. عوامل موثر بر مهاجرت افغانها به ایران کدام موارد است؟
2. مواردی که باعث جذب مهاجران افغانستان به ایران می‌شوند، چیست؟
3. اثرات اجتماعی و اقتصادی مهاجرت به ایران برای افغانستان و ایران چی بوده است؟
4. چه راهکارهایی برای بهبود شرایط مهاجران افغان و کاهش تنش‌های اجتماعی در ایران وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

مهاجرت افغان‌ها به ایران یکی از بزرگ‌ترین جریان‌های مهاجرتی در منطقه است که تأثیرات عمیقی بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر دو کشور می‌گذارد. با توجه به حضور طولانی‌مدت و پرتعداد مهاجران افغانستان در ایران، بررسی جامع و دقیق این پدیده از جنبه‌های مختلف ضروری به نظر می‌رسد که نیازمند انجام تحقیقات متعدد می‌باشد. این تحقیق می‌تواند تا حدی به درک بهتر علل مهاجرت، شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از آن و تدوین سیاست‌های مؤثر برای مدیریت بهتر این پدیده کمک کند. همچنین، نتایج این پژوهش می‌تواند برای سایر کشورهای که با مسائل مشابه مهاجرتی روبه‌رو هستند، مفید و قابل استفاده باشد.

با توجه به تأثیرات گسترده مهاجرت بر امنیت، اقتصاد و بافت اجتماعی ایران، انجام این تحقیق می‌تواند به بهبود روابط بین دو کشور، ارتقای سطح زندگی مهاجران و کاهش تنش‌های اجتماعی کمک کند.

سابقه و پیشینه

در زمینه وضعیت حاکم بر جمعیت اتباع افغانستان در ایران مطالب مختلفی مورد توجه محققان بوده و هر کدام بخش‌هایی از این موضوعات را مورد مطالعه قرار داده‌اند ولی موضوع تأثیرگذاری جمعیت افغان بر سیاست و امنیت ملی ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است که در این تحقیق تلاش بر آن است به این مسائل پرتو افکنده شود؛ در ادامه برای نمونه برخی از متون موجود مختصراً بررسی می‌شوند؛ گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی³ مانند UNHCR، IOM و بانک جهانی نیز به تشریح شرایط ناامنی و فقر در افغانستان و در نتیجه افزایش مهاجرت اشاره دارند.⁴ نظریه‌های مورد استفاده در تبیین این پدیده شامل نظریه دافعه-جاذبه، که عوامل ناامن‌کننده در کشور مبدأ و عوامل جذاب‌کننده در کشور مقصد را دربر می‌گیرد⁵، نظریه شبکه‌ای که نقش روابط خانوادگی و اجتماعی در کاهش هزینه‌ها و خطرات مهاجرت را مورد تأکید قرار می‌دهد و نظریه هزینه و فایده که انگیزه‌های اقتصادی مهاجرت را تبیین می‌کند، می‌باشند.⁶

علاوه بر این، بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که از دوران قبل از انقلاب اسلامی ایران تا دوره‌های معاصر، عوامل مختلفی از جمله جنگ، ناامنی و فقر در افغانستان موجب موج‌های متعدد مهاجرت شده‌اند؛ در حالی که در ایران،

1. بررسی‌های International Crisis Group به تأثیر جنگ‌ها و ناامنی در افزایش مهاجرت اشاره دارند.

2. آمار بانک جهانی، شرایط اقتصادی افغانستان را به‌خوبی تبیین می‌کند.

3. گزارش IOM بر اهمیت عوامل فرهنگی و جغرافیایی در جذب مهاجران تأکید دارد.

4. مطالعات محمودیان و همکاران نقش اشتراک زبانی و فرهنگی را در تسهیل ادغام مهاجران ثابت کرده‌اند.

سیاست‌های اولیه حمایتی در دوران آغاز ورود مهاجران، زمینه ورود قانونی و ادغام نسبی را فراهم آورده است، اما در سال‌های اخیر با تغییر رویکردها و محدودیت‌های جدید، شرایط پیچیده‌تری رقم خورده است.⁷

- خسروی (۱۴۰۳) مقاله ای تحت عنوان (پیامدهای سیاسی- امنیتی افزایش حضور مهاجران افغانی در ایران) منتشر کرده است که در این مقاله به مباحث زیر پرداخته است: مهاجرت به عنوان موضوعی کهن در جوامع انسانی مطرح می‌باشد که در طول تاریخ تحولات شگرفی را رقم زده است و باعث تغییرات عظیم در سراسر جهان شده است؛ در واقع مهاجرت به معنای حرکت جمعیت‌های انسانی از محیط جغرافیایی به مرزهای جدید جغرافیایی می‌باشد که ممکن است از نظر فرهنگ، تمدن، نژاد و زبان با مکان منشاء مهاجرت متفاوت یا شباهت داشته باشد و در این زمینه دلایل مختلفی برای مهاجرت قابل شناسایی است که در عصر کنونی بیشتر مسئله نا امنی، جنگ، وضع بد اقتصادی و تلاطم‌های سیاسی و نظامی را می‌توان نام برد. مسئله مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همجوار از جمله پاکستان و ایران بیش از چهل سال است که آغاز شده و در دوره‌های مختلف فراز و فرودهایی را تجربه کرده است؛ بر این اساس می‌توان گفت که حضور مهاجران افغانی در ایران و روند مدام این مهاجرت به ایران فرصت‌ها و تهدیدات مهمی را برای عرصه سیاسی و امنیتی ایران به وجود آورده است. از این رو در این تحقیق سعی بر آن است تا به بررسی مسئله مهاجرت و تاثیرات آن در عرصه‌های مختلف پرداخته شود و در عین حال به بررسی چالش‌های موجود و احتمالی حضور جمعیت قابل توجه مهاجرین افغان پرداخته شود و تاثیراتی را که می‌توانند بر سیاست و امنیت کشور بر جای بگذارند مورد مطالعه قرار گیرند. این تحقیق در انتها نیز به دنبال پاسخگویی به این پرسش بنیادین است که حضور مهاجران افغانی چگونه عرصه سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران را متاثر می‌سازند؟ بر این اساس سعی شده است در این خصوص اطلاعاتی جمع‌آوری و تدوین گردد.

- فیروزی (۱۴۰۱) مقاله ای تحت عنوان (بررسی اشتراکات فرهنگی - اجتماعی ایران و افغانستان با تأکید بر آسیب‌ها و فرصت‌ها)، منتشر کرده است. در واقع این تحقیق به این سؤال اصلی پاسخ می‌دهد که با توجه به مشترکات فرهنگی و تاریخی میان دو کشور مسائل مربوطه چه جایگاه و نقشی در ارتقاء روابط دو کشور ایجاد می‌کند؛ بر این اساس نتیجه‌گیری می‌شود که عرصه فرهنگ و اجتماع نقش محوری در بهبود روابط دو کشور دارد و حتی بیشتر از سایر مسائل می‌تواند باعث همگرایی دو کشور گردد از این رو نباید از نقش فرهنگ عناصر و ارزشهای اجتماعی غافل گردید. از طرفی می‌توان هدف این پژوهش را بررسی فرصت‌ها و ظرفیتهای مشترک این دو کشور و شناخت آسیب‌هایی مانند نبود تعامل مطلوب و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مشترک عنوان نمود. نتایج بیانگر آن هستند که اقدامات هدفمند ایران و افغانستان بر داشته‌های مشترک خود که ریشه در تمدن آنها دارد، سایر عرصه‌ها را تحت تاثیر قرار داده و از سرمایه‌های تاریخی آنها محافظت خواهد کرد و این اقدامات نیز تعیین کننده مناسبات آیندگان میباشد.

- سعیدی (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان «فرصت‌ها و تهدیدهای حضور اتباع خارجی (افغانستان) در استان تهران» به مسائل مختلف مربوط به جمعیت تبعه افغانستان در استان تهران پرداخته است. بر اساس مفروضات و استدلال‌های این تحقیق،

5. تغییرات سیاست‌های مهاجرتی ایران در گزارش‌های رسمی وزارت کشور منعکس شده است.

جمهوری اسلامی ایران در موضوع مهاجرت های بین المللی موقعیتی استراتژیک دارد؛ چرا که به طور همزمان کشور مبدا، ترانزیت و مقصد میلیونها مهاجر بوده است و به عنوان یکی از مهمترین کشورهای مهاجرپذیر در دنیا طی چند دهه اخیر میزبان جمعیت گسترده ای از اتباع افغان بوده و هست؛ همچنین از سوی دیگر به طور همزمان برای بسیاری از اتباع افغان که قصد ورود به ترکیه و اروپا دارند جایگاه ترانزیتی داشته و گذرگاهی اصلی و سهل الوصول محسوب می شود. از این رو مسئله مهاجرت اتباع افغانستان می تواند تبعات مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در پی داشته باشد که در استان تهران این موضوع به دلیل جمعیت بالای اتباع افغان مسئله را مهمتر می کند.

-آدریان پاپ، ایوان دیوید اوئل (۲۰۲۳) در مقاله «امنیت-زدایی و امنیت هستی-شناختی: مورد خروج ایالات متحده از افغانستان» بیان می-کنند که با توجه به هزینه-های هنگفت واشنگتن در طول بیست سال عملیات خود در افغانستان، به قدرت رسیدن طالبان در آگوست ۲۰۲۱، پس از شکست نیروهای امنیت ملی افغانستان، احساس نگرانی را برای ایالات متحده ایجاد کرد. این امر همراه با ناهماهنگی بین خروج ایالات متحده و روایت آن در مورد مبارزه با تروریسم، در نهایت به یک بحران امنیتی هستی-شناختی برای ایالات متحده ختم شد.

مبانی نظری:

تعریف مهاجر و مهاجرت:

از نظر اداره امور اجتماعی سازمان ملل متحد مهاجر کسی است که: 1- جهانگرد، بازرگان، دانشجوی یا مسافر عادی، نباشد. 2- جزو ساکنین نواحی مرزی که به طور عادی بین دو کشور رفت و آمد می کنند، نباشد. 3- جزو پناهندگان نباشد به عبارت دیگر: مهاجر به کسانی گفته می شود که بخاطر پیدا کردن شغلی دائمی، فصلی یا موقت در سطح جغرافیایی جابه جا می شوند. از نظر حقوقی به فردی که وطن اصلی خود را ترک و در کشور دیگری برای همیشه ساکن شود مهاجر اطلاق می شود. (صفایی، 1389: 55)

مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی انسان هاست که بین دو واحد جغرافیایی انجام می شود که این جابجایی میتواند، دائمی یا تقریباً دائمی باشد. (بیک محمدی و مختاری ملک آبادی، 1382: 22) مهاجرت به عنوان ترک سرزمین اصلی و سکونت موقت یا دائم در سرزمینی دیگر یاد شده است. بنابراین نقطه مشترک در تمامی تعاریف مهاجرت بعد مکانی مهاجرت است. در تعاریف جامعه شناسی مهاجرت را بر حسب مکان مهاجرت، زمان اقامت و زمینه های ذهنی و ارادی فرد مهاجر تعریف کرده اند. در تعاریف اقتصادی مهاجرت را بخاطر عوامل اقتصادی و سپس خواست فرد مهاجر دانسته اند. از بعد اقتصادی تعریفی که مایکل تو دارو در مورد مهاجرت داشته است جالب است او می گوید مهاجرت واکنشی است نسبت به تفاوت درآمد مورد انتظار تا درآمد واقعی در شهر و روستا که در این تعریف بیشتر از دید اقتصادی به مهاجرت نگریسته شده است. عوامل اقتصادی، اجتماعی، و ساختی، از عوامل اصلی مهاجرت هستند. (جمشیدی ها، عنبری، 1383: 43-68)

انواع مهاجرت:

1- تقسیم بندی مهاجرت از نظر زمانی

1- مهاجرت های قطعی: در این نوع مهاجرت مهاجران به دلایل مختلف قصد ندارند به محل قبلی خود برگردند. (زرقانی و همکاران، 1395: 53)

2- **مهاجرتهاى بازگشتى يا برگشتى / مهاجرت معكوس:** در اين نوع از مهاجرت به قصد برگشت فرد به محل قبلى سكونت خود معمولاً پس از سپرى كردن حداقل يك سال در کشور ديگر، اشاره دارد كه مى تواند اختيارى يا غيراختيارى باشد. (UN:2008)

3- **مهاجرتهاى دوره اى:** بسيارى از مهاجران براى دوره هاى چندساله از دور تر از وطن اصلى شان زندگى مى كنند و سپس بر مى گردند. (فرزان، 1382: 183)

4- **مهاجرت هاى فصلى:** به آن دسته از مهاجران مخصوصاً مهاجران كشاورز كه در مواقع بىكارى ساليانه، به مناطق ديگر به خصوص شهرها مى روند و چند ماهى از سال را در آن مناطق مشغول به كار مى شوند و همزمان با شروع فصل كشاورزى به روستاهائى خود برميگردند گفته مى شود. (حيدرى و ديگران، 1385: 296)

2-تقسيم بندى مهاجرين از نظر تعداد

1-**مهاجرت فردى:** به مهاجرتى گفته مى شود كه افراد به صورت انفرادى يا به صورت خانوارى يا تعدادى از اعضاى خانوارها باهم از مكاني به به مكان ديگر مهاجرت مى كنند. (طباطبايى، 1394: 29)

2-**مهاجرت گروهى:** پديده اى است كه بر مبنائى خواست و تصميمات سياسى به مرحله انجام مى رسد كه در دو شكل مشخص قابل پيداى است: شكل اول مربوط به مهاجرت هاى مى باشد كه با تصميم كنفرانس هاى بين المللى و حكومت ها و در مدت كم از يك تا دو سال و بطور سريع ادامه پيدا مى كند و شكل دوم مهاجرت ها، مربوط به پناهندگان كشورها است كه به علت عدم امنيت و يا خوددارى از قبول شرايط اجتماعى و اقتصادى و كيفيت زندگى سياسى و شغلى كه به آنها پيشنهاده مى شود، مجبور به ترك کشور مى شوند. (عارفى، 1391: 201)

3-تقسيم بندى مهاجرت از نظر خواست و اراده

1-**اختيارى:** اين نوع مهاجرت بدون وجود عناصر اجبار و با انتخاب آزادانه انجام مى گيرد. (UN:2008)

2-**مهاجرت اجبارى:** در اين نوع از مهاجرت كه در آن يك عنصر اجبار شامل تهديد هاى زندگى و معاش، عوامل طبيعى يا انسانى نظير جنگ و آوارگى بلايائى طبيعى يا محيطى، خطرات شيميايى يا هسته اى، گرسنگى و ... وجود دارد. (2008: UN)

4-تقسيم بندى مهاجرت از نظر حقوقى

1-**مهاجرت قانونى:** در اين نوع از مهاجرت فرد مجوز ورود و اقامت به کشور ميزبان را دارد. (UN:2008)

2-**مهاجرت غير قانونى:** به مهاجرتى گفته مى شود كه فرد در آن مجوز ورود به يك کشور را ندارد يا تاريخ مجوز اقامت او تمام شده باشد. (UN:2008)

5-تقسيم بندى مهاجرت بر حسب قلمرو جغرافيايى و سياسى

اگر در تقسيم بندى مهاجرت و اشكال مختلف آن به مرزهاى سياسى و ادارى توجه گردد، گونه هاى متفاوتى از مهاجرت در رابطه با حدود مى و سياسى يك کشور شكل مى گيرد كه شامل مهاجرت هاى داخلى و خارجى مى باشد.

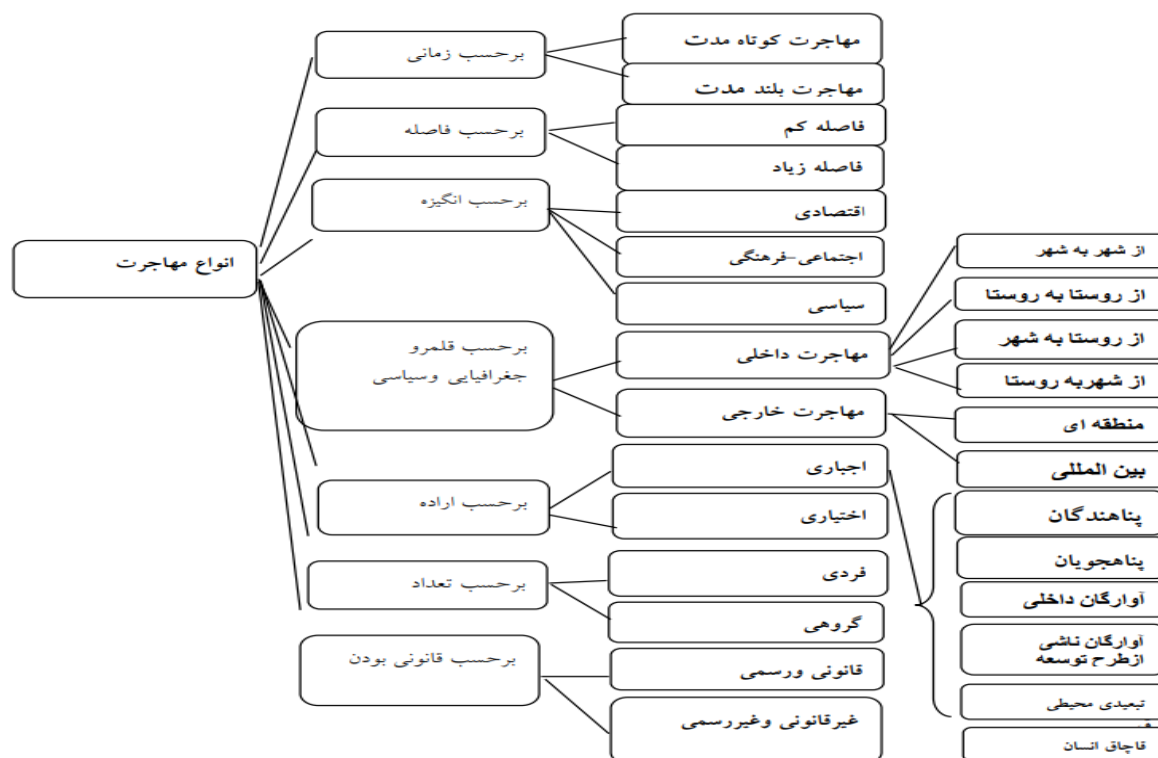
1-**مهاجرت داخلى:** هرگونه جابجائى دائمى يا نيمه دائمى مسكن و محل اقامت را در داخل قلمرو جغرافيايى يك کشور، مهاجرت داخلى مى گویند.

2-مهاجرت خارجی: مهاجرت در خارج از مرزهای یک کشور را مهاجرت خارجی می‌گویند مهاجرت‌های خارجی نیز در سه لایه وجود دارد: منطقه‌ای، دورن قاره‌ای و میان قاره‌ای. در مورد یک سرزمین، مهاجرت خارجی یا برون مرزی متضمن عبور از مرزهای آن سرزمین است.

3-مهاجرت‌های درون ناحیه‌ای یا منطقه‌ای: مهاجرت‌های درون ناحیه‌ای به سادگی از مهاجرت‌های روستایی شهری قابل تفکیک نیست. در واقع بیشتر مهاجرت‌های درون ناحیه‌ای اخیراً از نواحی روستایی و شهری یک منطقه به نواحی شهری منطقه دیگر بوده است.

4-مهاجرت‌های بین‌المللی: مهاجرت‌ها و جابجایی عظیم انسان‌ها را با همه نتایج اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که دارد. گذشته از این موارد طبق آخرین آمارهای کمیسیاری عالی پناهندگان سال 2021 بیشترین آمار مهاجرت را درجهان داشته است، بطوریکه 84 میلیون مهاجر مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند. (مولایی: 1396:146)

شکل-7. 1 طبقه‌بندی انواع مهاجرت (منبع: زرقانی 1395:55)



نظریه‌های مربوط به مهاجرت

در تحلیل نظری جریان مهاجرت‌های خارجی می‌توان تئوری‌های مطرح شده را در دو دسته ازهم مورد بررسی قرار داد، دسته اول نظریه‌های تبیینی و تحلیلی فرایند مهاجرت هستند که خود شامل چهار رویکرد اقتصادی، تاریخی، ساختاری، نهادی-سیاسی و نظام‌های مهاجرتی است، برخی از این رویکردها شروع و برخی دیگر تداوم جریان مهاجرتی را مبنای کار خود قرار داده است در تحلیل مهاجرت رویکرد اقتصادی نئوکلاسیک «به نابرابری‌ها و تفاوت‌های اقتصادی بین مناطق مبدأ و مقصد که توسط کنشگران عقلانی که به دنبال حداکثر سود و فایده هستند ارزیابی می‌شود، متمرکز است» رویکرد تاریخی ساختاری که ریشه‌های فکری آن برگرفته از نظریه‌های نظام جهانی و اقتصاد سیاسی مارکسیستی است مهاجرت را به عنوان

پدیده ای میدانند که منحصر در پاسخ به شرایط ساختاری ایجاد شده در بستر تاریخی، صورت می گیرد. (صادقی، ۱۳۸۸: ۴۴) مهمترین نظریات معروف در مورد مهاجرت به شرح زیر است:

1- نظریه کارکردگرایی مهاجرت

این نظریه بر تبیین و دلیل و پیامدهای مهاجرت استوار است. این نظریه در مورد دلایل مهاجرت عقیده دارد که در هر نظام بدون وجود پوشش های انسانی تعادل بر هم می خورد و مهاجرت را عنصری الزامی جهت برقراری تعادل مجدد در جامعه میداند، از این جهت، مهاجرت از یک طرف به مکانیزم تطابق شخص با تغییرات ایجاد شده تبدیل می شود و از طرف دیگر، تعادل از دست رفته را به جامعه باز می گرداند. آنها بعد از تبیین علل مهاجرت و اعتقاد به کارکرد مثبت برای آن، به آثار مهاجرت بر ساخت مبداء، مقصد و وضعیت شخص مهاجر می پردازند. به طور کلی، آنها مهاجرت را عاملی مطمئن برای جلوگیری از آسیب های اجتماعی ناشی از عدم تعادل در جامعه می دانند.

2- نظریه وابستگی مهاجرت

پیروان نظریه وابستگی معتقدند، مهاجرت معلول توسعه نابرابر است. همچنین معتقدند، مهاجرت نه تنها شکل دهنده وابستگی کشورهای جهان سوم است، بلکه باعث تقویت وابستگی این کشورها نیز شده است، مهاجرت از طرفی عامل تقویت توسعه نیافتگی منطقه مهاجر فرست می باشد و از طرف دیگر، عامل ایجاد و تشدید نارضایتی های منطقه مهاجر پذیر است، زیرا با خروج مهاجران از منطقه، نیروی کار کاهش پیدا می کند و برای آن راه حلی نیست، مگر اینکه تغییرات ریشه ای در ساخت کشورهای جهان سوم و ارتباط آنها با کشورهای توسعه یافته غرب شکل بگیرد.

3- نظریه سیستمی مهاجرت

در تلاش برای طرح نگرش جامع به مساله مهاجرت های بین المللی کرتیز و همکارانش به بررسی دیدگاه های مختلف پرداخته و بر پویایی جریان های مهاجرتی تاکید داشته اند به عقیده آن ها مهاجرت های بین المللی که بین سرزمین های مبدا و مقصد مهاجرتی جریان دارد، به طور تنگاتنگی با سایر حلقه هایی که در هم تنیده شده، سیستمی را به تشکیل می دهند، که مهاجرت را شکل داده، و به جریانی پویا و بالنده تبدیل می کنند، از نظر آنان ارتباط فرهنگی، تاریخی، اقتصادی و سیاسی نمی تواند به شکلی تنها و جدا از هم بر مهاجرت تاثیر بگذارد، بلکه به عنوان مجموعه ای تفکیک ناپذیر، زمینه لازم را برای مبادلات مهاجرتی فراهم کرده و آن را تداوم می بخشد.

4- نظریه جذب و دفع

بر اساس کار هرل در اوایل دهه ۱۹۳۰ بود که نظریه جذب و دفع شکل گرفت، او مهاجرت را ناشی از دو عامل می داند: الف) نیروی دافعه؛ عواملی نظیر امکانات بیشتر آموزشی، اشتغال و درآمد و... که باعث می شود فرد مکان زندگی خود را ترک کند ب) نیروی جاذبه: عواملی نظیر هزینه های بالای زندگی، آلودگی محیط زیست و... که باعث می شود فرد به سوی مکان دیگر جذب شود. حال با توجه به مختصات مهاجرت افغان ها به ایران، از جمله ۱- از نوع بین المللی بودن این مهاجرت؛ ۲- وجود مشکلات و دافعه ها در جامعه مبدا؛ ۳- وجود جاذبه ها در جامعه مقصد، به نظر می رسد که از میان انواع نظریات ارائه شده در مورد پدیده مهاجرت، نظریه جذب و دفع قابلیت تطبیق بیشتری با این مهاجرت دارد.

5- نظریات مربوط به سازگاری و ادغام اجتماعی مهاجران

امروزه افرادی بسیاری در سراسر دنیا به دلایل گوناگون از جمله جنگ، تحصیل، کار و... دست به مهاجرت های کوتاه مدت یا طولانی مدت می زنند، اما وجود فرهنگ ها و آداب و رسوم، باورها، ارزش ها و اعتقادات متفاوت در جوامع مختلف تاثیر زیادی بر روی افراد مهاجر و حتی بر روی خود کشور میزبان می گذارد که این تاثیرات پیامدهای مثبت و منفی را به دنبال دارد، مهاجرت به دلیل اینکه مستلزم سازگاری است.

علل مهاجرت افغان‌ها به ایران از منظر تاریخی

1-عوامل دافعه در افغانستان

- **ناامنی و جنگ :** جنگ‌های داخلی و درگیری‌های مداوم از دهه ۱۹۷۰ به دلیل اشغال شوروی و سپس درگیری‌های داخلی پس از سقوط حکومت کمونیستی در افغانستان، موج‌های عمده‌ای از مهاجرت را ایجاد کرده‌اند (International Crisis Group: 2017)

افغانستان در چند دهه اخیر همواره درگیر بحران‌های سیاسی و نظامی بوده است. جنگ‌های داخلی و پیامدهای ناشی از اشغال کشور توسط نیروهای خارجی، امنیت اجتماعی را به شدت تضعیف کرده است. از اشغال شوروی سابق در دهه ۱۹۸۰ گرفته تا سقوط حکومت کمونیستی و بعد از آن، ناامنی‌ها و مشکلات نه‌تنها کاهش نیافت، بلکه با گسترش فساد اداری و عدم رشد متوازن در کشور ناپایداری حکومت‌های مرکزی، مهاجرت افغان‌ها مجدداً شدت گرفت. برای بسیاری از شهروندان افغانستان، ایران به‌عنوان یک مقصد امن‌تر و در دسترس‌تر مطرح بوده است، به‌ویژه به دلیل اشتراکات فرهنگی و زبانی.

- **فقر و بیکاری :** پایین بودن سطح درآمد و عدم وجود فرصت‌های شغلی پایدار در افغانستان، بخصوص در دهه‌های اخیر، عامل مهمی در تصمیم افراد برای ترک کشور بوده است. (World Bank: 2019)

اقتصاد افغانستان همواره به دلیل جنگ، تحریم‌ها و مشکلات سیاسی دچار بحران بوده است. نرخ بالای بیکاری، عدم وجود فرصت‌های شغلی پایدار و وابستگی شدید به کمک‌های خارجی باعث شده است که بسیاری از شهروندان این کشور امید چندانی به بهبود اوضاع اقتصادی نداشته باشند. کشاورزی که یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی افغانستان محسوب می‌شود، به دلیل خشکسالی‌های مکرر، کاهش منابع آبی و نبود زیرساخت‌های لازم، با افت قابل توجهی مواجه شده است. در چنین شرایطی، مهاجرت به کشورهایی مانند ایران که فرصت‌های شغلی بیشتری به‌ویژه در بخش‌های ساختمانی، کشاورزی و خدماتی ارائه می‌دهند، یک انتخاب منطقی برای بسیاری از افغان‌ها بوده است.

- **فروپاشی زیرساخت‌ها :** ضعف ساختاری در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی و کاهش تولیدات کشاورزی، شرایط زندگی را دشوار ساخته و افراد را به دنبال شرایط بهتر به خارج سوق داده است (IOM: 2018)

یکی دیگر از عوامل مهم در مهاجرت افغان‌ها، ضعف زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی این کشور است. طی دهه‌های اخیر، سرمایه‌گذاری کافی در توسعه زیرساخت‌ها انجام نشده و بسیاری از مناطق افغانستان از امکانات اولیه مانند برق، آب سالم، بهداشت و آموزش محروم بوده‌اند. علاوه بر این، جنگ‌های مداوم سبب تخریب زیرساخت‌های حیاتی و عدم دسترسی بسیاری از مردم به خدمات ضروری شده است. نبود امکانات درمانی کافی و سطح پایین کیفیت آموزش نیز از دیگر مشکلاتی است که افراد را به خروج از کشور و جستجوی شرایط بهتر در کشورهای همسایه، به‌ویژه ایران، سوق داده است. این عوامل دست به دست هم داده‌اند تا مهاجرت افغان‌ها به ایران نه‌تنها یک پدیده مقطعی، بلکه یک روند مستمر در تاریخ معاصر این کشور باشد.

2-عوامل جاذبه در ایران

- **هم‌زیستی فرهنگی و زبانی :** یکی از مهم‌ترین دلایلی که ایران را به مقصدی مطلوب برای مهاجران افغان تبدیل کرده، اشتراکات زبانی و فرهنگی میان دو کشور است. زبان فارسی (دری) که در افغانستان رایج است، نزدیکی بسیاری با فارسی ایرانی دارد، که این موضوع روند تطبیق و ادغام مهاجران افغان را در جامعه ایرانی تسهیل کرده است. بسیاری از مهاجران افغان به راحتی می‌توانند در محیط‌های کاری، آموزشی و اجتماعی ایران ارتباط برقرار کنند، بدون آنکه با چالش‌های زبانی جدی مواجه شوند.

از منظر فرهنگی، بسیاری از ارزش‌ها و آداب و رسوم دو ملت مشابه است. باورهای دینی مشترک و تعلق اکثریت مردم هر دو کشور به دین اسلام و احترام به ارزش‌های دینی مشابه، موجب شده است که افغان‌ها در کشور ایران احساس نزدیکی بیشتری داشته باشند. این هم‌زیستی فرهنگی باعث شده است که حتی در دوره‌هایی که سیاست‌های مهاجرتی ایران سختگیرانه‌تر بوده، باز هم ایران همچنان یک مقصد اولویت‌دار برای افغان‌های مهاجر باقی بماند.

• **فرصت‌های اقتصادی:** وجود بازار کار نسبتاً گسترده در بخش‌های ساختمانی، کشاورزی و خدمات، به ویژه در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰، موجب جذب نیروی کار افغان شده است. (Jan, A., & Khan, S: 2020)

ایران، به‌ویژه در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰، با رشد اقتصادی و توسعه بخش‌هایی مانند ساخت‌وساز، کشاورزی و خدمات، به بازاری پررونق برای نیروی کار تبدیل شد. مهاجران افغان که اغلب از مناطق روستایی افغانستان آمده بودند، مهارت‌های لازم برای کار در این بخش‌ها را داشتند و به‌سرعت جذب بازار کار ایران شدند.

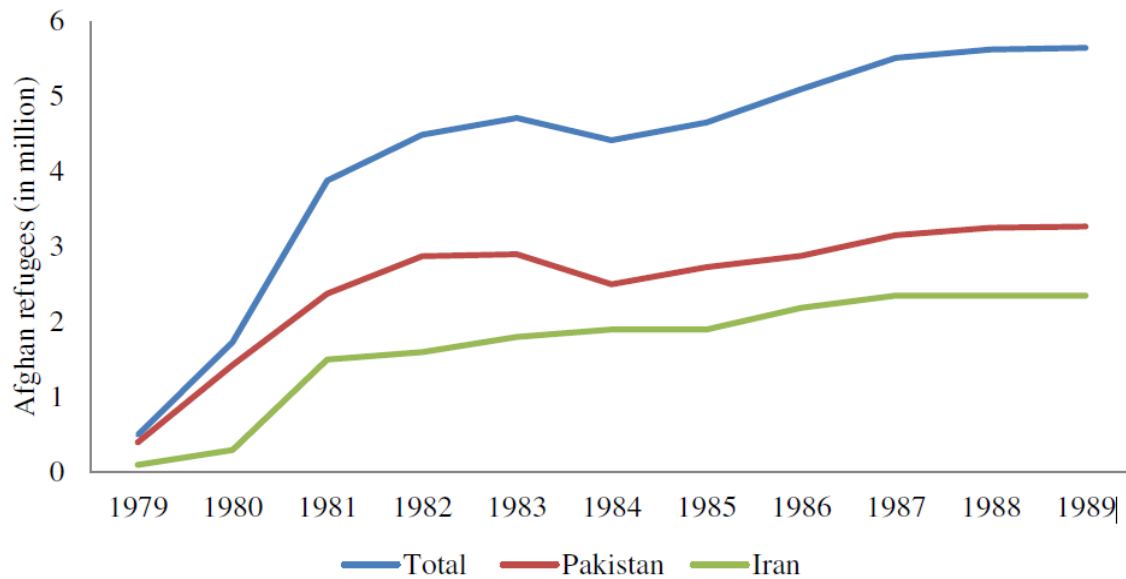
یکی از دلایل اصلی استقبال از نیروی کار افغان در ایران، تمایل آن‌ها به انجام شغل‌های بود که معمولاً با استقبال کمتری از سوی نیروی کار ایرانی مواجه می‌شود. کار در مشاغل سخت و فیزیکی، با دستمزدهای پایین‌تر، برای بسیاری از افغان‌ها که در کشور خود با بیکاری و فقر شدید مواجه بودند، یک فرصت خوب محسوب می‌شد. علاوه بر این، نزدیکی از لحاظ جغرافیایی به ایران باعث می‌شد که مهاجران بتوانند به‌راحتی با فامیل‌های خود در ارتباط باشند و حتی بخشی از درآمدشان را به افغانستان بفرستند.

• **سیاست‌های اولیه مهاجرت:** در اوایل دوران پس از انقلاب اسلامی، سیاست‌های باز و حمایتی ایران نسبت به پناهندگان و مهاجران افغان، زمینه را برای ورود و اقامت قانونی فراهم کرد (Abbasi-Shavazi: 2005)

در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، سیاست‌های این کشور در قبال مهاجران افغان، رویکردی نسبتاً باز و حمایتی بود. در دهه ۱۳۶۰، با توجه به جنگ‌های داخلی افغانستان و اشغال این کشور توسط جماهیر شوروی سابق، ایران به بسیاری از پناهجویان افغان اجازه ورود و اقامت به این کشور را داد. در آن دوران، سیاست‌های رسمی ایران بر پایه حمایت از مسلمانان و مستضعفین شکل گرفته بود و مهاجران افغان از تسهیلاتی مانند آموزش رایگان و برخی خدمات اجتماعی بهره‌مند شدند.

هرچند که در سال‌های بعد، با افزایش جمعیت مهاجران و تغییر شرایط اقتصادی و سیاسی، سیاست‌های مهاجرتی ایران سختگیرانه‌تر شد، اما این دوران اولیه باعث شد که بسیاری از افغان‌ها پیوندهای عمیقی با ایران برقرار کنند و این کشور را به‌عنوان مقصدی امن و پایدار برای مهاجرت در نظر بگیرند.

در مجموع، ترکیبی از اشتراکات فرهنگی، فرصت‌های اقتصادی و سیاست‌های حمایتی اولیه، ایران را به یکی از مهم‌ترین مقاصد مهاجرت برای افغان‌ها تبدیل کرده است.



شکل : تعداد پناهجویان افغان در ایران و پاکستان از سال 1979 الی 1989
منبع: (احمد ولید. 4 . 2022)

پیامدهای اقتصادی و اجتماعی مهاجرت افغان‌ها به ایران

بهبود شاخص های اقتصادی یک کشور از جمله مهمترین شاخصه های قدرت نرم آن کشور محسوب میشود. نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی بین افغانستان و ایران و روابط گسترده بین دو کشور باعث گسترش روابط تجاری بین این دو شده است و امکان هم افزایی اقتصادی را برای هر دو کشور افزایش داده است.

نقش مهاجران در توسعه تجارت بین کشور مبدا و مقصد مهاجرت انکارناپذیر است. آنچه باعث شده تا عراق و افغانستان در بین همسایگان بیشمار ایران جزو 5 وارد کننده اصلی کالاهای ایرانی باشند به حضور مهاجران این کشورها در ایران و شبکه ارتباطی گسترده شان با ایرانیها برمی گردد. البته باید توجه کرد نه در مورد این دو کشور مهاجرت عامل ثانویه ای است که به واسطه اشتراکات مذهبی، فرهنگی، تاریخی، زبانی و تمدنی تاثیر آن در توسعه تجارت تشدید شده است. علاوه بر این می توان به حضور ایرانیان در امارات و تاثیر آن در توسعه تجارت با این کشور نیز اشاره نمود. در نقطه مقابل اما بر خلاف این 3 کشور، ایران از بازار 11 میلیارد دلاری پاکستان نصیب چندانی نبرده است نه به نظر دلیل آن عدم حضور قابل توجه شهروندان دو کشور در خاک یکدیگر و فقدان شبکه ارتباطی منسجم است. (شرف، فاضلی: 1400)

1- پیامدهای اقتصادی

- **افزایش درآمد از طریق حواله ها:** مهاجران افغان به طور منظم بخشی از درآمد خود را به خانواده های خود در افغانستان ارسال می کنند که این جریان مالی نقش مهمی در اقتصاد افغانستان دارد (IOM: 2018)
- یکی از پیامدهای مهم اقتصادی مهاجرت افغان ها به ایران، ارسال حواله های مالی از سوی مهاجران به خانواده هایشان در افغانستان است. بسیاری از افغان های مقیم ایران، به ویژه آن هایی که در بخش های ساختمانی، کشاورزی و خدمات مشغول به کار هستند، بخشی از درآمد خود را به افغانستان ارسال می کنند. این جریان مالی تأثیر مستقیمی بر اقتصاد افغانستان دارد، زیرا بسیاری از خانواده های افغان وابسته به این درآمد هستند. به ویژه در مناطق روستایی افغانستان، این حواله ها منبع

اصلی تأمین معیشت خانواده‌ها محسوب می‌شوند و به بهبود شرایط زندگی، سرمایه‌گذاری‌های خرد و حتی تأمین هزینه‌های تحصیل فرزندان کمک می‌کنند.

• **تأثیر بر بازار کار:** ورود نیروی کار ارزان قیمت افغان به بخش‌های غیررسمی در ایران می‌تواند به کاهش هزینه‌های تولید و رقابت در بازار کار منجر شود؛ اما در برخی موارد، فشار بر دستمزد کارگران ایرانی نیز دیده شده است (Rahimi, S., & Karimi, F: 2015)

ورود نیروی کار مهاجر افغان به ایران، به‌ویژه در بخش‌های غیررسمی، تأثیرات متعددی بر بازار کار این کشور داشته است. از یک‌سو، وجود نیروی کار ارزان و ماهر در بخش‌هایی مانند ساختمان‌سازی، کشاورزی و خدمات، باعث کاهش هزینه‌های تولید و افزایش رقابت‌پذیری در برخی صنایع شده است. بسیاری از کارفرمایان به دلیل دستمزد پایین‌تر نیروی کار افغان و همچنین توانایی آن‌ها در انجام مشاغل سخت و طاقت‌فرسا، به جذب این نیروها تمایل داشته‌اند.

اما از سوی دیگر، در برخی موارد، این امر موجب ایجاد نگرانی‌هایی در میان نیروی کار ایرانی شده است. برخی گروه‌های کارگری و اجتماعی معتقدند که حضور گسترده مهاجران افغان باعث کاهش دستمزدها و افزایش رقابت در بازار کار شده است. با این حال، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مهاجران افغان عمدتاً در بخش‌هایی مشغول به کار هستند که نیروی کار ایرانی تمایل کمتری به فعالیت در آن‌ها دارد.

• **سرمایه‌گذاری و تجارت میان دو کشور:** شبکه‌های اجتماعی و اقتصادی ایجاد شده میان مهاجران افغان و جامعه ایران، فرصت‌هایی برای توسعه روابط تجاری و انتقال فناوری ایجاد کرده است. (United Nations: 2017)

مهاجران افغان در ایران نه تنها به عنوان نیروی کار فعال بوده‌اند، بلکه در برخی موارد، سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی نیز انجام داده‌اند. برخی از آن‌ها در بازارهای محلی فعالیت کرده، کسب‌وکارهای کوچک راه‌اندازی کرده‌اند و به توسعه تجارت میان ایران و افغانستان کمک کرده‌اند. شبکه‌های اجتماعی و اقتصادی ایجاد شده بین مهاجران افغان و جامعه میزبان در ایران، فرصت‌هایی را برای گسترش روابط تجاری میان دو کشور فراهم کرده است.

برخی از مهاجران پس از سال‌ها اقامت در ایران، با کسب تجربه و دانش، به افغانستان بازگشته و در بخش‌هایی مانند کشاورزی، صنایع کوچک و تجارت سرمایه‌گذاری کرده‌اند. این امر به انتقال دانش، مهارت و فناوری میان دو کشور کمک کرده و در برخی موارد موجب افزایش فرصت‌های اقتصادی در افغانستان شده است.

2- پیامدهای اجتماعی

• **ادغام و تغییرات هویتی:** با ورود مهاجران، تغییراتی در ساختار جمعیتی و هویت فرهنگی در مناطق میزبان به وجود آمده است. نسل دوم افغان‌های مقیم ایران، که در کشور متولد شده‌اند، نسبت به نسل اول نگرش متفاوتی دارند و روند ادغام اجتماعی آن‌ها در حال تکامل است. (Hosseinkeshavarz, H: 2020)

مهاجرت افغان‌ها به ایران تأثیرات عمیقی بر ساختار اجتماعی و فرهنگی هر دو کشور گذاشته است. از یک طرف، در برخی مناطق ایران، حضور طولانی مدت افغان‌ها موجب شکل‌گیری جوامع مهاجر و تغییرات در بافت جمعیتی شده است. از طرف دیگر، نسل دوم مهاجران افغان که در ایران متولد شده‌اند، هویتی متفاوت از نسل اول دارند. این نسل که با فرهنگ و نظام آموزشی ایران بزرگ شده‌اند، در مقایسه با والدین خود ارتباط نزدیک‌تری با جامعه میزبان دارند.

با این حال، این نسل همچنان با چالش‌هایی روبه‌رو است، از جمله مسائل مربوط به هویت ملی و تعلق اجتماعی. برخی از آن‌ها به دلیل محدودیت‌های قانونی و اجتماعی، احساس تعلق کمتری به جامعه ایران دارند، در حالی که ممکن است ارتباط محدودی نیز با افغانستان، به عنوان سرزمین اجدادی‌شان، داشته باشند.

• **چالش‌های تبعیض و نابرابری:** برخی از مهاجران با تبعیض‌های اجتماعی و محدودیت‌های قانونی مواجه هستند که می‌تواند منجر به ایجاد نگرش‌های منفی و تنش‌های اجتماعی شود (Sadeghi, R: 2018).

یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی که مهاجران افغان در ایران با آن مواجه هستند، تجربه تبعیض و محدودیت‌های قانونی است. با وجود پذیرش نسبی افغان‌ها در بسیاری از جوامع ایرانی، در برخی موارد، نگرش‌های منفی نسبت به آن‌ها وجود داشته است. این امر می‌تواند بر کیفیت زندگی مهاجران تأثیر بگذارد و آن‌ها را در معرض مشکلاتی مانند نابرابری در دسترسی به آموزش، خدمات درمانی و فرصت‌های شغلی قرار دهد.

محدودیت‌های قانونی برای برخی از مهاجران افغان، به‌ویژه آن‌هایی که وضعیت اقامتی نامشخص دارند، چالش‌های متعددی ایجاد کرده است. این محدودیت‌ها گاهی مانع از تحصیل کودکان مهاجر، بهره‌مندی از خدمات بهداشتی و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی رسمی می‌شود. چنین شرایطی می‌تواند احساس بیگانگی و نارضایتی در میان مهاجران را افزایش دهد و در برخی موارد منجر به ایجاد تنش‌های اجتماعی گردد.

• **تحولات فرهنگی:** فعالیت‌های فرهنگی و هنری مهاجران، از جمله تأسیس مؤسسات فرهنگی و برگزاری رویدادهای مشترک، نقش مثبتی در بهبود تعاملات میان دو جامعه داشته است (Johnson, A., & Rubin, B: 2013).

باوجود برخی چالش‌ها، مهاجران افغان در ایران نقش مهمی در گسترش تعاملات فرهنگی میان دو کشور ایفا کرده‌اند. در دهه‌های اخیر، شاهد فعالیت‌های فرهنگی و هنری متعددی از سوی جامعه مهاجر افغان در ایران بوده‌ایم. تأسیس مدارس غیررسمی، انتشار نشریات و کتاب‌های فارسی، برگزاری رویدادهای فرهنگی و مشارکت در فعالیت‌های هنری ازجمله اقداماتی است که به بهبود ارتباطات فرهنگی میان دو ملت کمک کرده است.

همچنین، حضور افغان‌ها در بازارهای کار و زندگی روزمره در ایران، موجب آمیختگی بیشتر فرهنگی شده است. غذا، موسیقی، ادبیات و هنر افغان تأثیراتی در فرهنگ شهری برخی مناطق ایران داشته و تعاملات اجتماعی میان مردم دو کشور را تقویت کرده است.

پیامدهای سیاسی:

امروزه مهاجرت به یکی از ابعاد اصلی روابط دیپلماتیک در کشور های مهاجر پذیر تبدیل شده است کشورهای مهاجر پذیری همچون کانادا، ایالات متحده آمریکا، آلمان، استرالیا و... از پدیده جذب مهاجر برای افزایش قدرت نرم خود در جهان بهره می‌برند. کشوری نه توان جذب نیروی مهاجر را دارد، به سادگی میتواند بر افکار عمومی مردم سایر کشورها تاثیر گذاشته و ارزشها و فرهنگ خود را به خارج از مرزهای خود ارسال کند. مهاجر پذیری می‌تواند به سبب افزایش نیروی کار و رونق تولید، منافع اقتصادی قابل توجهی برای کشور به همراه داشته باشد، بازار کار انعطاف پذیرتری ایجاد کند و تنوع بیشتری در نوآوری به وجود بیاورد. کلیه این مسائل بر توان نفوذ یک کشور بر کشورهای مهاجر فرست می‌افزاید. (شرف، فاضلی: 1399)

نارضایتی‌های اجتماعی و امنیتی

طبق تئوری فشرده‌سازی اجتماعی، هنگامی که جامعه با فشارهایی از جمله حضور شمار زیادی از مهاجران، مواجه میشود، ممکن است تنش‌ها و نارضایتی‌ها افزایش یابد. این فشارهای اجتماعی میتواند به‌ویژه در مناطقی که مهاجران افغان تراکم بالایی دارند، موجب بی‌اعتمادی و اضطراب‌های امنیتی شود که روابط ایران و افغانستان را پیچیده‌تر میکند. در برخی موارد، آن دسته از مهاجران افغان که به‌طور غیرقانونی وارد ایران میشوند میتوانند به تهدیدهای امنیتی افزوده و منجر به تشدید مشکلات امنیتی در مرزها شوند. علاوه بر این، اگر برخی از گروه‌های افراطی یا تروریستی از این مهاجران سوءاستفاده کنند، ایران و افغانستان ممکن است با چالش‌های امنیتی جدی روبه‌رو شوند. این چالش‌ها میتواند به تغییرات در

سیاست‌های داخلی ایران و به‌ویژه در سیاست‌های مهاجرت و حقوق بشر منجر شود که ممکن است بر روابط دیپلماتیک ایران و افغانستان تأثیر بگذارد.

نقش دولت‌ها در روند مهاجرت

مهاجرت پدیده‌ای است که تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله تصمیمات و سیاست‌های دولت‌های مبدأ و مقصد قرار دارد. در مورد مهاجرت افغان‌ها به ایران، نقش دولت‌های افغانستان و ایران در شکل‌گیری و تداوم این روند بسیار قابل‌توجه بوده است. سیاست‌های ناکارآمد دولت افغانستان و چالش‌های اقتصادی و امنیتی این کشور، از یک‌سو، موجب افزایش خروج شهروندان افغان شده و از سوی دیگر، سیاست‌های متغیر و بعضاً محدودکننده دولت ایران، بر وضعیت مهاجران در این کشور تأثیر گذاشته است.

1- نقش دولت افغانستان

- **سیاست‌های ناکارآمد:** عدم توانایی دولت افغانستان در تأمین امنیت و فراهم آوردن شرایط زندگی مناسب، عامل مهمی در خروج جمعیت از این کشور بوده است (Khan, A: 2017). یکی از مهم‌ترین دلایل مهاجرت افغان‌ها به ایران، ناتوانی دولت‌های افغانستان در تأمین امنیت، ایجاد اشتغال و بهبود شرایط معیشتی مردم بوده است. در دهه‌های اخیر، دولت‌های مختلف افغانستان نتوانسته‌اند سیاست‌های مؤثری برای کاهش مهاجرت اتخاذ کنند. جنگ‌های داخلی، فساد، ضعف حاکمیت قانون و ناکارآمدی نهادهای دولتی، از جمله عواملی بوده‌اند که باعث شده‌اند بسیاری از مردم چاره‌ای جز ترک کشور نداشته باشند.
- **بوجود تلاش‌هایی برای بازسازی و توسعه پس از تغییرات:** که در ساختارهای حکومتی در سال ۲۰۰۱، دولت افغانستان به دلیل وابستگی شدید به کمک‌های خارجی و فقدان زیرساخت‌های اقتصادی پایدار، نتوانسته است رشد اقتصادی مطلوبی را تجربه کند. این شرایط موجب شده است که مهاجرت به ایران و سایر کشورها، برای بسیاری از افغان‌ها به‌عنوان یک راهکار عملی جهت دستیابی به امنیت و فرصت‌های اقتصادی بهتر در نظر گرفته شود.
- **نبود برنامه‌های توسعه‌ای:** محدودیت‌های اقتصادی و ضعف زیرساخت‌های اجتماعی، مهاجرت را به عنوان راه‌حلی موقت برای بقا ترویج داده است.

یکی دیگر از عواملی که باعث تشدید مهاجرت شده، فقدان سیاست‌های مؤثر توسعه‌ای در افغانستان است. دولت‌های مختلف این کشور، به جای اتخاذ برنامه‌های بلندمدت برای ایجاد اشتغال و بهبود شرایط زندگی، بیشتر بر اقدامات مقطعی و کوتاه‌مدت تمرکز کرده‌اند. علاوه بر این، فقدان سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیربنایی مانند آموزش، بهداشت و اشتغال‌زایی، موجب شده است که مهاجرت برای بسیاری از شهروندان افغان، تنها گزینه ممکن برای بهبود شرایط زندگی باشد. همچنین، دولت افغانستان در طول سال‌های اخیر، برنامه‌های مشخص و مؤثری برای بازگشت مهاجران و ادغام مجدد آن‌ها در جامعه اجرا نکرده است. بسیاری از پناهندگان افغان که به کشور بازمی‌گردند، با کمبود امکانات اولیه، بیکاری و نبود امنیت مواجه می‌شوند که همین امر، انگیزه بازگشت را کاهش داده و در مواردی منجر به مهاجرت مجدد می‌شود.

2- نقش دولت ایران

- **سیاست‌های مهاجرتی و اقامتی:** در اوایل حضور مهاجران افغان، سیاست‌های باز و حمایتی ایران موجب ورود و اقامت قانونی آنان شد؛ اما در سال‌های اخیر، با تغییر رویکردهای دولتی و تحریم‌های اقتصادی، سیاست‌های محدودکننده و سختگیرانه‌ای اتخاذ شده است که منجر به افزایش مهاجرت‌های غیرقانونی شده است (Iranian Ministry of Interior: 2019).

دولت ایران در دهه‌های مختلف، سیاست‌های متفاوتی را در قبال مهاجران افغان اتخاذ کرده است. در اوایل دهه ۱۳۶۰ و

پس از انقلاب اسلامی، ایران سیاست‌های نسبتاً باز و حمایتی را در قبال پناهجویان افغان در پیش گرفت. در آن دوران، بسیاری از مهاجران افغان توانستند به صورت قانونی وارد ایران شده و از برخی خدمات عمومی بهره‌مند شوند. با این حال، در سال‌های اخیر، به‌ویژه با افزایش فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، سیاست‌های دولت ایران در قبال مهاجران افغان تغییر کرده و محدودیت‌های بیشتری اعمال شده است. این تغییر سیاست‌ها باعث افزایش مهاجرت‌های غیرقانونی شده و شرایط زندگی برای بسیاری از افغان‌های ساکن ایران را دشوارتر کرده است. عدم تمدید برخی مجوزهای اقامتی، سخت‌گیری در ارائه خدمات اجتماعی و محدودیت‌های جدید در زمینه اشتغال، از جمله سیاست‌هایی بوده‌اند که زندگی مهاجران را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

همچنین، در برخی مقاطع، دولت ایران اقدام به اجرای طرح‌های بازگشت داوطلبانه مهاجران افغان کرده است، اما بسیاری از این بازگشت‌ها به دلیل نبود امکانات کافی در افغانستان، به مشکلات معیشتی و حتی مهاجرت مجدد منجر شده است.

• **تأثیر بر بازار کار و خدمات عمومی:** سیاست‌های عدم حمایت کافی از مهاجران قانونی و عدم برنامه‌ریزی منسجم، فشارهایی بر منابع عمومی ایران وارد کرده و زمینه‌ای برای ایجاد تنش‌های اجتماعی فراهم ساخته است (Janzadeh, 1399).

یکی از چالش‌هایی که سیاست‌های مهاجرتی ایران با آن مواجه بوده، تأثیر حضور گسترده مهاجران افغان بر بازار کار و منابع عمومی است. از یک طرف، نیروی کار افغان در بخش‌های مختلف اقتصادی، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند ساختمان‌سازی، کشاورزی و خدمات، نقش مهمی ایفا کرده و به کاهش هزینه‌های تولید کمک کرده است. اما از سوی دیگر، در برخی موارد، حضور آن‌ها باعث ایجاد نگرانی‌هایی در میان کارگران ایرانی شده است، به خصوص در دوره‌هایی که اقتصاد ایران با رکود و بیکاری مواجه بوده است.

علاوه بر این، دسترسی مهاجران افغان به برخی خدمات عمومی مانند آموزش و بهداشت، یکی از موضوعات مورد بحث در سیاست‌های دولت ایران بوده است. در برخی دوره‌ها، دولت ایران سیاست‌هایی برای بهبود دسترسی مهاجران افغان به خدمات آموزشی و درمانی اجرا کرده، اما در برخی موارد نیز محدودیت‌هایی اعمال شده است که دسترسی به این خدمات را برای مهاجران دشوار کرده است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عوامل متعددی از جمله ناامنی، فقر و بیکاری در افغانستان و وجود فرصت‌های شغلی در ایران، از دلایل اصلی مهاجرت افغان‌ها به ایران بوده است. همچنین، حضور مهاجران افغان تأثیرات مختلفی بر اقتصاد و جامعه ایران داشته است که نیازمند مدیریت و برنامه‌ریزی مناسب است.

مهاجرت افغان‌ها به ایران پیامدهای پیچیده‌ای در ابعاد اقتصادی و اجتماعی به همراه داشته است. از نظر اقتصادی، این مهاجرت موجب افزایش حواله‌های مالی به افغانستان، تأثیرگذاری بر بازار کار ایران و ایجاد فرصت‌های تجاری میان دو کشور شده است. در بعد اجتماعی، ادغام فرهنگی، چالش‌های مربوط به تبعیض و محدودیت‌های قانونی، و تأثیرات متقابل فرهنگی از مهم‌ترین پیامدهای این مهاجرت بوده است.

نقش دولت‌ها در روند مهاجرت افغان‌ها به ایران، بسیار تأثیرگذار بوده است. حاکمیت‌های (قبل) افغانستان، به دلیل ناتوانی در تأمین امنیت، ایجاد فرصت‌های شغلی و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای مؤثر، در مهار روند مهاجرت ناکام بوده است. در مقابل، دولت ایران، در دوره‌هایی سیاست‌های حمایتی در قبال مهاجران افغان اتخاذ کرده، اما با گذشت زمان و به دلیل چالش‌های اقتصادی و اجتماعی، سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تری را در پیش گرفته است.

بررسی دقیق‌تر این سیاست‌ها می‌تواند به درک بهتر دلایل و پیامدهای مهاجرت افغان‌ها کمک کرده و به دولت‌ها در اتخاذ سیاست‌های کارآمدتر برای مدیریت این پدیده یاری رساند.

در نهایت، درک دقیق‌تر این پیامدها می‌تواند به سیاست‌گذاری‌های مؤثرتر در زمینه مدیریت مهاجرت و بهبود شرایط زندگی مهاجران و جامعه میزبان کمک کند.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث گفته شده در مورد مهاجرت به نظر می‌رسد پیامدهای منفی مهاجرت بیشتر از پیامدهای مثبت آن ارزیابی می‌شود. به گزارش ریلایف وب، سازمان ملل اعلام کرد که جمعیت مهاجران بین‌المللی در جهان ۲۸۱ میلیون نفر است؛ این رقم معادل ۳٫۶ درصد از جمعیت جهان است؛ در عین حال، سازمان بین‌المللی کار ILO، تعداد مهاجران بین‌المللی را در سال ۲۰۲۲ رقمی معادل ۲۸۴٫۵ میلیون نفر اعلام کرد. مهاجرت افغان‌ها به ایران پدیده‌ای چندوجهی است که ناشی از عوامل دافعه در افغانستان و عوامل جاذبه در ایران می‌باشد.

در سال ۲۰۲۴، بین ۵ تا ۸ میلیون پناهنده افغان در ایران زندگی می‌کرده‌اند که فقط بخشی از آن‌ها به عنوان مهاجر قانونی ثبت‌نام کرده‌اند و بقیه به صورت غیرقانونی در ایران زندگی می‌کنند. اکنون این میزان طبق گزارش کمیساریای سازمان ملل در امور پناهجویان به ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار مهاجر قانونی رسیده است.

به عنوان نتیجه‌گیری، باید گفت که حضور مهاجران افغان در ایران، هم اثرات منفی (تهدید) و هم اثرات مثبت (فرصت) دارد که می‌تواند با توجه به رفتارسیاست‌گذار ایرانی پدیدار شود. از نظر اجتماعی و فرهنگی، مهاجران افغان می‌توانند بافت جمعیتی و فرهنگی را تغییر داده و شکاف قومی و مذهبی (شکاف شیعه و سنی/شکاف ایرانی و افغانی) را بر جامعه عمیقاً چندپاره ایران تحمیل کنند؛ همچنین در این زمینه، مهاجران افغان به دلیل ثبات درآمدهای اقتصادی و افزایش درآمد مالی خود، قادر به انجام هر کاری هستند و مشاغلی را می‌پذیرند که با خواسته‌های جویندگان کار مرتبط نیست و علاوه بر آن، مشاغل کاذب و اقتصاد غیررسمی را در حاشیه کلان‌شهرها گسترش می‌دهند. از سوی دیگر، همین نیروی مهاجر با حضور خود در صنعت ساختمان و صنایع معدنی، می‌تواند باعث رونق این بخش‌های مولد اقتصادی شود. به این ترتیب، مهاجران افغان می‌توانند هم فرصت و هم تهدید باشند. پیامدهای اقتصادی از جمله افزایش حواله‌های ارزی و تأثیر بر بازار کار، و پیامدهای اجتماعی از جمله تغییرات هویتی و چالش‌های ادغام اجتماعی، تصویر پیچیده‌ای از این پدیده ارائه می‌دهد. همچنان، عدم تدوین سیاست‌های منسجم مهاجرتی توسط دولت ایران، به تشدید این پدیده انجامیده است. تدوین سیاست‌های مهاجرتی هماهنگ و استفاده از تجارب موفق کشورهای مهاجرپذیر می‌تواند به بهبود شرایط مهاجران و کاهش تنش‌های اجتماعی در ایران کمک کند.

بر اساس دیدگاه جاذبه و دافعه عواملی مانند جنگ و ناامنی، بیکاری، تورم، وضعیت نامناسب اجتماعی و اقتصادی و جنگ‌ها، از مهمترین عوامل مهاجرت افغانها به ایران هستند. از سوی دیگر عواملی مانند امنیت، هم مرزی، اشتراکات فرهنگی، زبانی، دینی و ... کم هزینه بودن از مهمترین عوامل جاذب ایران برای افغان‌ها بشمار می‌رود. مهاجرت بخشی از ساکنان افغانستان در چهار دهه گذشته، در ایران نیز به همین عوامل وابسته بوده‌اند. مهاجرت، مشکلات اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی مختلفی را بر جا می‌گذارد و تبعاً هم کشور مبدأ و مقصد از آن برخوردار می‌شوند. یکی این تغییرات تغییر فرهنگی و تغییر در هویت مهاجران است. در واقع می‌توان گفت در بعد فرهنگی مهاجران دچار تغییراتی در وضعیت اخلاقی و بینشی خود می‌شوند. علاوه بر این، مهاجرت با تأثیرپذیری مهاجران از جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از محیط جدید، آثار مهمی بر سیمای ظاهری و همچنین زندگی روزمره افراد دارد که در قالب تغییرات و دگرگونی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نمود می‌یابد.

پیشنهادهای:

با توجه به یافته‌های این تحقیق، که نشان‌دهنده تأثیر متقابل عوامل دافعه در افغانستان و عوامل جاذبه در ایران در شکل‌گیری و تداوم موج‌های مهاجرتی افغان‌ها است، می‌توان پیشنهادهای را در دو سطح ملی و بین‌المللی ارائه داد تا ضمن کاهش فشارهای ناشی از مهاجرت، زمینه برای مدیریت بهتر این پدیده فراهم شود:

۱. پیشنهادهای برای امارت اسلامی افغانستان

- **بازسازی نهادهای دولتی و تقویت حکمرانی:** یکی از اولویتهای اصلی امارت اسلامی، باید بازسازی ساختار حکومتی با رویکرد پاسخ‌گو، شفاف و کارآمد باشد تا شهروندان احساس تعلق و امنیت بیشتری نسبت به کشور خود داشته باشند.
- **سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌ها و ایجاد اشتغال:** ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، توسعه مناطق روستایی و ارتقاء سطح خدمات عمومی می‌تواند انگیزه مهاجرت را در میان جوانان کاهش دهد.
- **تدوین سیاست‌های جامع بازگشت مهاجران:** فراهم ساختن بسترهای اجتماعی، اقتصادی و امنیتی برای بازگشت مهاجران و حمایت از ادغام مجدد آن‌ها در جامعه باید در اولویت برنامه‌های امارت قرار گیرد.
- **تقویت دیپلماسی منطقه‌ای در موضوع مهاجرت:** دولت افغانستان باید به‌طور فعال با کشورهای میزبان و سازمان‌های بین‌المللی همکاری کند تا وضعیت حقوقی و اجتماعی مهاجران بهبود یابد و از بروز تنش‌های جدید جلوگیری شود.

۲. پیشنهادهای برای دولت ایران

- **تدوین سیاست‌های مهاجرتی منسجم و واقع‌بینانه:** سیاست‌گذاری مبتنی بر واقعیات جمعیتی و نیازهای بازار کار، می‌تواند علاوه بر حمایت از منافع ملی، حقوق انسانی مهاجران را نیز حفظ کند.
- **ارتقاء سطح خدمات برای مهاجران قانونی:** ارائه دسترسی برابر به آموزش و خدمات بهداشتی، به‌ویژه برای نسل دوم مهاجران، نقش مهمی در کاهش حاشیه‌نشینی و تعارضات اجتماعی دارد.
- **تسهیل در فرآیندهای اقامتی و قانونی‌سازی مهاجران:** با توجه به حضور بلندمدت بسیاری از مهاجران افغان در ایران، ایجاد سازوکارهایی برای تسهیل اقامت قانونی، می‌تواند به بهبود وضعیت آنان و نیز نظارت بهتر بر مهاجرت کمک کند.
- **تقویت نظارت بر بازار کار و جلوگیری از استثمار مهاجران:** باید چارچوب‌های قانونی برای حفاظت از حقوق کارگران مهاجر به‌ویژه در مشاغل غیررسمی توسعه یابد تا هم از بهره‌کشی جلوگیری شود و هم رقابت سالم با نیروی کار داخلی حفظ گردد.

۳. نقش سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای

- **افزایش حمایت‌های مالی و فنی از کشورهای مبدأ و میزبان:** نهادهایی مانند سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM) و کمیساریای عالی پناهندگان (UNHCR) می‌توانند با تقویت همکاری با دولت‌ها، نقش مهمی در مدیریت بهتر مهاجرت ایفا کنند.
- **اجرای برنامه‌های توسعه‌ای مشترک در مناطق مهاجرپرست:** پروژه‌های مشارکتی میان کشورهای همسایه و نهادهای بین‌المللی برای توسعه جوامع آسیب‌دیده در افغانستان، می‌تواند ریشه‌های مهاجرت را کاهش دهد.
- این پیشنهادهای، اگرچه به‌تنهایی نمی‌توانند مشکل مهاجرت را به‌طور کامل حل کنند، اما با نگاه بلندمدت، هماهنگی میان دولت‌ها و مشارکت جامعه جهانی می‌تواند به مدیریت مؤثرتر این پدیده و کاهش تبعات منفی آن کمک نمایند.

فهرست منابع

منابع فارسی

1. بیک محمدی، حسن و مختاری ملک آبادی، رضا (1382) "تحلیلی جغرافیایی بر روند مهاجرت در استان خوزستان".
<https://civilica.com/doc/1482022>,
2. زنجانی، حبیب ا.. (1393) مهاجرت، تهران: نشر سمت.
3. زرقانی، سیدهادی و قیداری، ح.س و موسوی، سیده زهرا (1395) "درآمدی بر مهاجرت و امنیت." نشریه: انجمن ژئوپلیتیک ایران
4. سجاد پور، محمد کاظم (1384) چارچوبهای مفهومی و عملیاتی در مدیریت مهاجرت بین المللی مطالعه موردی ایران، مجله تحقیقات جغرافیایی، پاییز، شماره 78: 30-9
5. حقیقت طلب، پیمان. (1400). اصلاح قانون اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی: از تصویب تا مشکلات اجرایی و راهکارهای پیشنهادی، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل: 17996.
<https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1680948>
6. جمشیدیها، غلامرضا و علی بابائی، یحیی (1383) "بررسی عوامل مؤثر بر بازگشت مهاجرین افغانی با تکیه بر ساکنین شهر گلشهر مشهد." نامه علوم اجتماعی 20، ص 90
7. جانزاده، علی (1399) "عوامل اثرگذار بر مهاجرت افغان‌ها به ایران." فصلنامه سیاست، 50(4)، 1067-1092.
[doi:10.22059/jpq.2020.236450.1007089](https://doi.org/10.22059/jpq.2020.236450.1007089)
8. شرف، محمدرضا و فاضلی، حبیب اله. (1400). مهاجران و ظرفیت های پیشرفت؛ هم‌افزایی قدرت نرم ایران و افغانستان. فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، 10(2)، 211-244.
9. صادقی، رسول (1388) "ویژگی های جمعیتی مهاجران خارجی در ایران در سرشماری 1385." مجله ی بررسی های آمار رسمی ایران، علمی-ترویجی (20): 20-74
10. فرزانه، احمدشاه (1382) "افغانستان از مقاومت تا پیروزی" مشهد: احمدشاه فرزانه
11. طباطبایی نسب، س.م و پریش، فاطمه (1394) "بررسی نگرش به تبلیغات مصرف کنندگان جوان." نشریه: کاوش های مدیریت بازرگانی 7(13): 1-23
12. عارفی، محمداکرم، (1391) "مبانی مذهبی و قومی طالبان." فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی 1، سال اول-شماره چهارم-بهار 91: 191-227
13. علمی، ز. پاسندی یساقی، ف. (2025) "عوامل مؤثر بر مهاجرت از ایران: نقش تورم و بیکاری." مجله انجمن جمعیت ایران، 2025؛ 19(38): 367-412. 1345.2026835.2025.20234/jpai.
[doi: 10.22034/jpai.2025.2026835.1345.412-367](https://doi.org/10.22034/jpai.2025.2026835.1345.412-367)
14. مولایی، سیما (1400) "افغانستان مردم و سیاست"، انتشارات ققنوس 1396
15. محمدیان (1386) "مهاجرت افغان‌های به ایران: تغییر در ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی و انطباق با جامعه مقصد." نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، 2(4)، 69-42. SID. <https://sid.ir/paper/127835/fa>

منابع انگلیسی:

1. Abbasi-Shavazi, M. J., Glazebrook, D., Jamshidiha, G., Mahmoudian, H., & Sadeghi, R. (2005). *Return to Afghanistan? A Study of Afghans Living in Tehran*. Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit.
2. Badr, W., Ahmad, A., & Aziz, N. (2023). Afghan migration and its impacts on community of Afghanistan. *Integrated Journal for Research in Arts and Humanities* 3(5), 248-252.
<https://doi.org/10.55544/ijrah.3.5.23>
3. UNHCR. (2018). *Afghan Refugees in Iran: Situation Report*. Retrieved from <https://www.unhcr.org/iran>
4. International Crisis Group. (2017). *Afghanistan's Ongoing Conflict*. Retrieved from <https://www.crisisgroup.org>
5. World Bank. (2019). *Economic Conditions in Afghanistan*. Washington, DC: World Bank Publications.
6. IOM. (2020). *Migration in the Context of Conflict in Afghanistan*. Retrieved from <https://www.iom.int>
7. Jan, A., & Khan, S. (2020). *Labor Migration from Afghanistan to Iran: Causes and Effects*. *Journal of Middle Eastern Studies*, 15(2), 112-130.
8. IOM. (2018). *Migration and Remittances Factbook*. Retrieved from <https://www.iom.int>
9. Rahimi, S., & Karimi, F. (2015). Labor Market Dynamics and Afghan Migration in Iran. *Middle East Economic Review*, 8(3), 55-78.
10. United Nations. (2017). *Trade and Economic Cooperation between Afghanistan and Iran*. Retrieved from <https://www.un.org>
11. Hosseinkeshavarz, H. (2020). Socio-Cultural Integration of Afghan Migrants in Iran: A Comparative Study. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 46(4), 891-910.
12. Sadeghi, R. (2018). Legal Challenges of Afghan Migrants in Iran. *International Migration Law Review*, 12(1), 47-62.
13. Johnson, A., & Rubin, B. (2013). *Afghanistan from the Cold War through the War on Terror*. Oxford University Press.
14. Khan, A. (2017). Political Instability and Migration in Afghanistan. *Asian Survey*, 57(5), 845-870.
1. 54 – 9 Iranian Ministry of Interior. (2019). *Annual Migration Report*. Te